

## اصالت و هویت مطربی

ابرام خوش لحن در فیلم «مطرب» خواننده‌ای کافه‌ای است که ترانه‌های کوی و برزنی می‌خواند و در سودای تبدیل شدن به یک مطرب مشهور است اما با وقوع انقلاب، همه رؤیاهایش را بر باد رفته می‌بیند و به ناچار به خوانندگی ترانه‌های پیش بافتاده در مجالس و محافل خصوصی رو می‌آورد.

زندگی او به دو دوره تقسیم می‌شود؛ دوران ابتدایی مربوط است به خوانندگی و تبدیل شدن به یک مطرب کافه‌ای که کم‌کم دارد برای خودش جایگاهی پیدا می‌کند اما در همین بزنگاه است که انقلاب رخ می‌دهد و در حالی که تنها یک ماه تا بیرون آمدن کاست‌های او باقی مانده همه کاشته‌هایش هدر می‌رود. دوره دوم زندگی‌اش از همین بزنگاه آغاز می‌شود و تصویر او تداعی‌گر یک حسرت‌کش دائمی است که سال‌ها برای میوه دادن درخت خوانندگی‌اش تلاش کرده اما نصیب او جز یک گوشه‌نشینی تلخ نیست. موتور فیلم در ست از همین دوره دوم گرم می‌شود و ابرام خوش لحن پس از دهه‌ها مجوز خروج از کشور را برای اجرای یک کنسرت در هفته فرهنگی ایران در ترکیه به دست می‌آورد.

پرویز پرستویی به خوبی حسرت درونی و عمری آه کشیدن ابرام خوش لحن را در نگاه‌هایش قابل لمس می‌کند و نشاط و وجد کامل او از اجرای کنسرت مشترک با خواننده ترک را با نگاه و کلام محسوس می‌سازد. ابرام خوش لحن از سینه‌سوخته‌ترین شخصیت‌های موسیقایی سینمای ایران است که داستان زندگی او همواره به عنوان نمادی از معجزه نوا و ترانه در سر پا کردن و بازگشت یک مرد به زندگی‌اش مثال زده خواهد شد. از جنبه دیگر این نقش بازگشت مهمی از سوی پرستویی به سینمای کمدی بود که به احیای شمایل بازیگری او پس از سال‌ها ایفای نقش‌های کمرنگ انجامید.



## ضیافت شعر و ترانه

بازی در فیلم «خواهران غریب» و ایفای نقش منصور خسروی همچنان خاص‌ترین هنرنمایی خسرو شکیبایی شمرده می‌شود. جنسی از بازیگری میانی در کارنامه این بازیگر بزرگ که در عین دارا بودن طنزهای شوخ‌طبعی‌های یک آهنگساز کودکان مایه‌هایی از جدیت و اقتدار یک پدر و جذبه و وقار یک مرد رمانتیک را نیز دارد.

به واقع شکیبایی دو لبه حسی و ادراکی را در این نقش شناسایی می‌کند و شورانگیزی و لطافتی تجربه نشده در کارنامه خود تا آن زمان را در این هنرنمایی نشان می‌دهد. او در عین این که جدیت منصور خسروی را از طریق نگاه و بیان به دخترش نشان می‌دهد همزمان حواسش به این نکته است که منصور آهنگساز و ترانه‌سرای کودکان است و به همین علت باید مطایبه و لطافتی را در رفتارش نشان دهد.

وجه اهمیت این نقش آفرینی در آن جاست که شکیبایی تا پیش از این هنرنمایی، چنین لطافت و احساسی را در بازی خود نمایان نکرده بود و این نقش سرآغازی بر مسیر دیگری در بازیگری او بود. به واقع منصور خسروی آغاز مسیری است که شکیبایی را به نقش رضا صباحی



می‌رساند و به تعالی شادابی و انرژی در بازیگری او می‌انجامد.

شکیبایی توالی مهر پدرا نه منصور به دخترش و صمیمیت پسرانه او نسبت به مادرش را به گونه‌ای منسجم و در قالب ترانه مشهور فیلم «خواهران غریب» اجرا می‌کند تا پس از گذشت بیش از دو دهه از اکران این فیلم، درجه بالایی از خاطرات برجای مانده از «خواهران غریب» به شکیبایی برگردد.